بررسی حق دریافت اجرت‌الملف فعالیت‌های زوجه و امکان جمع آن با حقوق مالی ویژه طلاق

یوسف سمحت‌الله افضل‌نژاد پژوهشگر مهندسی
مصطفی رضایی استخراجی مهندسی

چکیده
در روند تغییرات قانونی راجع به مطالعه اجرت‌الملف فعالیت‌های زوجه، شرایط مطالعه اجرت‌الملف و همچنین امکان جمع آن با عدم جمع آن با دیگر حقوق مالی زوجه که به‌طور خاص، هنگام طلاق مطروح می‌شوند (مقری ماهانه، شرط تنظیف و نخله)، محل بحث و اختلاف بوده است. خصوصاً با توجه به گرفتاری آخرين تحولات قانوني مرتبط با این موضوع (بازگشت اجرت‌الملف فعالیت‌های زوجه به شرایط قاعده استیفا)، نسخ ماده‌واحده اصلاح مقررات طلاق و باقی ماندن پنج بی‌تبصره ۱ آن و عدم نسخ قانون جداگانه خانواده سال (۱۳۵۲) ضرورت تحصیفی نو و مستقل در این زمینه نمایان می‌شود. پژوهش حاضر به همین راستا با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اجرت‌الملف و مشکل محاسبه آن، روش‌شناسی است که علم نسخ ماده‌واحده مذاکر حقوق اجرت‌الملف و نخله با توجه به نقش آن، بتواند بتواند قانونی و پیش‌بیناندن امکان در صورت شرط تنظیف با توجه به ماهیت و محتوای مبنا حقوق دریافت اجرت‌الملف با شرط تنظیف و نسل‌مانده‌ها مذکور (علی‌غم نقص‌های بی‌تبصره ۶ آن) امکان جمع آن این دو حق فراهم شده است. در صورت مقررات ماهانه‌نیز نظر قانون بر عدم نسخ آن همچنان از منظر حقوقی قابل دفاع است.

واژگان کلیدی: حقوق مالی زوجه، اجرت‌الملف، فعالیت زوجه، نخله، مقری ماهانه، شرط

تنوییه‌سازی

ysoghani@gmail.com
plato.mehni@gmail.com
mostafarezaei15@gmail.com

DOI: 10.22051/jwfs.2018.7260.1026
مقدمه

تکلیف مردی که از حق طلاق در چارچوب قانون مدنی برخورد امر با پرداخت مهره و نقشه تمام نمی‌شد. تلاش‌های دفاع از حقوق زنان و کوشاش در جهت تبدیلی هر چه بیشتر حقوق زن و مرد، تغییرات حقوقی مهمی را در حمایت هر چه بیشتر از زنان پدید آورده است.

حق نفی و مهربانی از حقوق مالی زن است که در دوران زوجیت متعلق به اوست و مطالعه آن مشروط به زمان طلاق نیست. حقوق مالی دیگری نیز برای حمایت مالی هر چه بیشتر زنان در زمان طلاق مقرر شده است. از این بیان، سیر فراوانی حقوق زن، علاوه بر درجه شرتوتی مانند «شرط تنصیف دارایی» در سن نیک، حقوق به نام «مقروی ماهانه»، «نحله» و «اجرت الیم» را نشان می‌دهد. این حقوق که عمداً در زمان طلاق موضوع مطالعه قرار دیده، با یکدیگر ارتباط و تلازم حقوقی دارد.

نحوه‌نهادی است که در ادیب حقیقی ایران همراه با اجرت الیم مطرح شده و وابسته به آن است. مقرری ماهانه بهتر است که در قانون حمایتی از خانواده سال 1353 مطرح شده و اعتبار و بقای آن با ورود نهاد اجرت الیم مورد ترتیب قرار گرفته است. علاوه بر این‌ها، اولین شرط مندرج در عقیده‌نامه‌های نکاح که با شرط تنصیف دارایی معروف شده است تا قبل از نسخ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، مصداق توافق مذکور در صدر بخش 6 این قانون تلفی می‌شود. اما تصویب قانون حمایت خانواده مصوب 91/12/11 این امر را با ترتیبی مواجه کرده است.

به‌همان شرایط و امکان مطالعه این حقوق و اجرت الیم نیز با یکدیگر گرو‌خورد و سابقه مختلفی را موجب شده است که در این پروژه به آن پرداخته می‌شود.

پیش‌آمیزی، سئله ارتباط اجرت الیم با شرط تنصیف و نحوه ضمن پرداخت تحصیلات پیروان اجرت الیم فعالیت‌های زوجه مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه که عمداً قبل از تصویب قانون حمایت خانواده جدید نگارش یافته و منتشر شده، بیل مبتکر شرایط اجرت الیم عموماً از شرط تنصیف بدکره و غالباً مطالبه آن را با اجرت الیم فعالیت‌های زوجه در زمان طلاق قابل جمع‌نمودن است. نحوه نیز با توجه به نوع ارتباط و قرارن آن با اجرت الیم در برخی از این مقالات بر کار موضوع اجرت الیم مطرح گردیده است: اما این مطالعات که در این مقاله نیز به مقتضات مطلب به آنها اشاره و ارجاع شده است، عمداً قبل از تصویب قانون
حمايت خانواده جدید صورت گرفته است؛ درحالی که تصویب قانون جدید حمايت خانواده مباحث جدیدی را در این رابطه مطرح می‌سازد.

در پویش حاضر با توجه به آخرين تحولات قانوني مربوط به ابتدای مبانی و شرایط اجرت اجرت سمی برزي و پس از آن، حقوق مالی زن پس از طلاق شامل مقرري مالیه، نحل و شرط تنصیف دارای را با نگرش به بحث اجرت المثل و ارتباط این حقوق با آن، مورد بررسی و تحلیل قرارگرفته است.

بند اول: اجرت المثل

مطابق با اصل استقلال مالی زوجین که زمینه‌ساز طرح اجرت المثل و منیا برای مالی زن و شوهر در نظام حقوقی ایران است، زن و شوهر از دور داوری ممتاز و جدا از هم برخوردند و امکان‌شناسی دارای مشترکی را بسیار که نمی‌دهند. پس از انتخاب نتیجه نیز هنگام دارایی مشترکی، آن‌گونه که امروز در حقوق نزدیک‌های غربی و غیر آن مرسوم است، به وجود نخواهد آورد (الماسی و محمدی، 1381: 119).

با توجه به این اصل اموالی که هر یک از زن و شوهر در دریافت فعالیت خود کسب می‌کند، متعلق به شخص خودش است و همسر فی نفیسی مشترکی در مالکیت آن ندارد. در صورت وضعیت زنی که مبادرت به انجام فعالیت‌هایی در منزل نموده است آیا می‌تواند اجرت اعمال خود را دریافت دارد؟ در بررسی اجرت المثل فعالیت‌های زوجه، ابتدای مبانی اجرت المثل و سیستم شرایط آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف: مبانی اجرت المثل

اصولاً در معاملات و روابطی که استفاده از کاری منتفی، معمول است، زمینه طرح اجرت المثل وجود دارد. در این خصوص فقه‌ای شیعه به استاد برخی از روایات، سیره مشروط، بناء علمی و قاعده احترام مال مسلم، دریافت اجرت المثل کار انجام شده را موجبه دانسته‌اند. هرچند در شرایط دریافت اجرت المثل بین فقه‌ای شیعه اختلافی و وجود دارد اما از مجموع ادله روشن می‌شود که در اصل ضمان در صورتی که عمل در عرف و عادت دارای اجرت باشد، شکی نیست (محمدی، 1383: 32-33).
عمده‌ترین دلیلی که پرداخت اجرت المثلاً را در معاملات جانبی مدان، احترام مال مسلم است. (سید عبدالمهدی سیبزواری، ١٤١٣ ه ق؛ صاحب جوهر، ١٤٠٤ ه ق؛ ٣٦٥/٣٠) عمل شخص نیز ارزش مالی دارد و مال محصول می‌شود و لذا کلیه احکام و آثاری که بر مال متعارف مرتبت است بر چنین مالی مرتبت می‌گردد (مام خمینی، ١٤٢١/١). قاعده احترام مال مسلم ضمان منافع اعتیاد و ضمان منافع و قرارداد را در بر می‌گیرد.

منظور از ضمان قرارداد این است که اگر شخص به امر دیگری مالی انجام دهد، صناعه‌ای این کار عرف‌اکران ارزش اقتصادی و بدون قصد برای انجام پایه‌بندید، آمر به اجازه اجرت المثل ضمان است (محقق داماد و اسماعیلی، ١٣٨٨/٩۹). برخی از علماء احترام به مال و عمل را یک قاعده عقلانی دانسته‌اند که معنی آن از حق‌نقیت ملکیت و تسلط بر اموال و منافع ناشی می‌گردد و شامل مسلم و غیرمسلم می‌شود و لذا آن را یک حکم تأسیسی نمی‌شناسند (مکارم‌شیرازی، ٢١٨/٣).

در پاسخ به این سوال که آیا قاعده احترام مال مسلم صرفاً بانگر عدم جزای تصرف در مال دیگران یعنی حکم تکلیف است یا اینکه بانگر حکم وضعی و از ایجاد ضمانات فهرست است؟ بین مبانی اختلاف است. برخی این قاعده را بانگر حرمت تکلیف و عدم جزای تصرف بدون آن در مال دیگران دانسته و برای اثبات ضمان منافع مستنداتی که قاعده ارائه دانسته‌اند (خوئنی، ١٤١٧/٩۹؛ اصفهانی، ١٤٠٩ د ق؛ ٩۵) اما نظر غالب حرمت را اعلام به وضعی و تکلیف دانسته و به استنداد قاعده احترام چیزی را از مال مدن (مصنف‌ها، ١٤٠٧ د ق؛ ٢٤). در حالی کار انسان مال محصول است و مقابلی احترام مال، منفعت و ضمان است (محقق داماد، ١٣٨٣/٢). البته بعضی از قبیلان در مورد عمل مسلمان قاعده مستند تحت عنوان «عمل مسلم محترم من لیق مباه» تظیم کردند (صاحب عرو، ١٤٠٢ د ق؛ ١٤٠/٥). قول از محقق داماد، همان) وی واقع است که ارزش‌دار بودن عمل مسلمان از قریع قاعده احترام است (هامان).

به‌هرحال همان‌گونه که برخی حقوقدانان گفته‌اند، منفعت کسی که استیفا می‌کند بر اساس پیش‌گیری از خطردان بودن سبب مال دیگری یا به تعبیر قلی «آل مال به باطل» است، نمی‌توان مال دیگری را به باطل خود و به حزینه او ثروت‌بردشن تشکیل اینکه مالک با صاحب...
 شرایط تحقیق اجرت اموال

ب: ماده ۲۳۳ قانون مدنی باید اگر ابتدا از عمل غیر است که مطابق با آن، عامل مستحق دریافت اجرت اموال عمل خود بوده و اگر کسی از عمل دیگری استفاده کند، خواه باید شخص شوهر باشد یا دیگری، باید اجرت اموال عمل منتفی به راه اندازد (دبی، ۱۳۷۹: ۱۰).

صرف رابطه زناشویی می‌تواند شوهر را از پرداخت اجرت عمل استیفا شده معاوضه سازد.

از این رو، باید گفت که تبصره ۶ ماده‌واحد قانون اصلاح مقررات برپایه طلاق، علی‌رغم اینکه اجرت اموال برای تأیید قضاوتی دادگاه‌ها به عمل افتاده باشد، مورد مطالعه آن را محدود ساخته و به‌همین اساس حتی قبل از تصویب تبصره الحاقی، باید محاکمه با توجه به اعتبار ماده ۲۳۶ ق.م. به استنداد این ماده و بر اساس آن باید به تبصره ۶ ماده‌واحد اقدام به صدور رأی نسبت به استحکاق اجرت اموال مستحق و مدرک می‌کردند (فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۸۰-۱۸۱).

قانون گزارنگ با تصویب تبصره الحاقی به ماده ۲۳۶ قانون مدنی و نزدیک صریح ماده‌واحد مذکور تقاضا به همان شرایط استیفا مقرر در ماده ۲۳۶ قانون مدنی باید بازگردد و موانع و محدودیت‌های مطالبه اجرت اموال مذکور در ماده‌واحد را برداشته است. با توجه به این تبصره، به بررسی شرایط تحقیق اجرت اموال پرداخته می‌شود.
1) انجام فعالیت در خانه شوهر
مطالعه اجرت اجرت فعالیت‌های زوجه در منزل شوهر مطالعه باقاعده استیفا است که بر
اساس آن ابتدا باید کاری غیر از وظایف و انجام شده باشد. در بررسی دقیق این شرط، نخست
به بررسی تكالیف زوجه در زندگی مشترک می‌پردازیم و با توجه به آن در مطلب بعد تحت
عنوان "انجام کارهای غیر از وظایف زوجیت" اجرت اصلی فعالیت‌های زوجه بررسی می‌کنیم.

1-1) تكالیف زوجه در زندگی مشترک

angenم وظایف زوجیت یکی از شرایطی است که در تعیین و تحقق حقوق مالی زوجه باید
مورد توجه قرار گیرد. عدم انجام این وظایف، مانع تعیق نقده شده و تحقق قصور زن در انجام
وظایف همسری موجب محرومیت از نجلي، مقرری ماهانه و نیز انتقال ناصف اموال مقرر در
عقدنامه‌ها می‌شود (دیوانی، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳).

نشوز زوجه همچنین مطالعه با پیدایش دو ماده‌اواحه اصلاح مقررات مرتب به
طلاق، موجب عدم امکان مطالعه اجرت اجرت‌های مالی‌های می‌گردد. در واقع فاینانس‌دار این طرح
ضمناً اجرای جدیدی برای تامین زوجه مقرر کرده بود که با مینا و ماهیت اجرت‌های مالی مشترک
نیز. با نسخ ماده‌واحده اصلاح مقررات مرتب به طلاق، دیدگیر صرف تقصیر زوجه در امور
همسری و نشور او مانع تحقق اجرت‌های مالی‌های نیست؛ بلکه فقط انجام اقداماتی که لازمه انجام
وظایف همسری است، موجب استحکام اجرت نخواهد بود.

اهتمام پنهان انجام وظایف زوجیت در حقوق مالی زوجه بایدگیر لزوم کنکاش در وظایف و
تكالیف اوسه. مهم‌ترین وظایف این زن در مقابل شوهر تکمیلی عام و خصوص است. بر زوجه و
اجرای اطراف، این امر به‌طور کامل مشترک و معکوس و سرمایه‌ای و بی‌پرداز، که در کنار
حکایت و سرمایه‌ی زوجه، اصل معاوضات به معروف، اصل رعایت حدود، اصل موذ و
رحمت نظر حساس است که مشکل‌های این حکایت و سرمایه‌ای را تحلیل می‌دهد و محدوده
این اطاعت را روشانی می‌سازد (علی‌دوست و ساجدی، ۱۳۹۰: ۷۲).

از این منظر در باب حقوق و تکالیف زوجین، ابتدا باید به مفهوم حسن معاوضات و نیز
معاوضات در تشییع مبنا خانواده به‌عنوان وظایف مشترک زوجین اشاره نمود. معاوضات از باب
فاعلی و از مفاهیم اجتماعی دوستی است. در مفهوم معاوضات، مشاوره و برایی نهفته است;
یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنند و زنان نیز باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند (ترسالی، 1382: 89). این وظیفه مشترک و متقابل را را باید با در نظر داشتن حقوق و تکالیف قانونی، مطابق با عرف و عادات و رسوم جامعه نیبی کرد که برحسب زمان و مکان متغیر است.

لازم به حساب معاشرت انجام وظایف و تکالیف قانونی از جانب زوجین است اما بدان محصور نمی‌شود. لذا تکالیف و حقوق مانند پرداخت تفه (ماده 1108 ق.م)، جمع و پرداخت زوجه به حرفه‌ای خاص (ماده 1118 ق.م)، ریاست شوره‌ها ب‌خواهد (ماده 1105 ق.م) و ... در راستای تعیین اصولی در معاشرت است (لطفی، 1389: 268). حقوق و تکالیف قانونی خطوطی را در روابط بین زوجین ترکیب می‌کند.

که در فرصت عدم توافق زوجین، خدشه مسیر به این خلخلیت مسالمت‌رسان معاشرت است.

بر اساس شرع و قانون، وظیفه ژن در خانه شوهر تملکی، اطاعت از شوهر، حسن معاشرت، خوش‌رفتاری و خوش‌ربوی، خارج نشدن از خانه شوهر بدون اجازه او، سکوت در منزلی که شوهر تعیین می‌کند و نیز تلاش در استواری و استحکام مباین خانواده و همکاری با شوهر در تربیت فرزندان است. (مامی، 1373: 1395) بی‌توجهی به این تکالیف نشون محسوب شده و علایه بر اینکه زوجه را از نفع مقرر می‌سازد (ماده 1108 ق.م) به جهت سوء اخلاق و رفتار و تخلف و وظایف همسری، مانع تعلق نحله و مقری ماهانه و نیز موجب عدم تحقیق شرایط مندرج در شرط تنصیف می‌شود.

کارهایی که جزو وظایف شرعی و قانونی زن نبست و نوعاً داخل مفهوم تکالیف چون تمکین معاضدت و حسن معاشرت نمی‌گنجد، باید بر زن تحمل شود. امام خمینی نیز در جزایی که اطاعت از زوجه واجب نبست، ترک آن را تحقیق نمودند و پیام داشته‌اند که: اگر زن از خدمات خانه و حوانی مرد که با ترک آن بردن و ارتباط دارد از قبیل جاری کردن با خیاطی با گذا یکان با غیر این‌ها، حتی آب دان و بهن کردن رختخواب خودداری نمایند، تحقیق پیدا نمی‌کند. (امام خمینی، 1341: 21 و ۷۴۵) برای تعيش تقصیر و نشون زوجه واجب حقوق و تکالیف شرعی زوجین نبست به یکدیگر را که بی‌توجه شرع و بدون معاشرت با آن در قوانین اعکاسیت یافته است، ملاک قرار داد و با نگاهی
عفی تحقیق تقصیر و نشوز را بررسی کرد. عف علاوه بر اینکه در تشخیص مصادفی چون سوء معاشرت دارای اهمیت است، با تبیین اراده طرفین در بستر اجتماعی خود در تعیین حقوق آنها نیز نقش دارند. در واقع به مسئولیت عف است که تبصیر ماده ۱۳۷۶، اصل هر دوم تبعر را خلاف ظاهر دانسته است. ظاهر این است که در خانواده‌های ایرانی زن در انجام بسیاری از کارها قصد تبیر دارد و این امر به اصل مقدم است.

۲- انجام کارهای غیر از وظایف زوج رجیت

ازجمله مسئولی که از دیپانز در قله امامه مطرح بوهد، مسئله حرفه اخذ اجتبر بر واجبات است؛ آنگونه که به مثابه قاعدانی فقهی مورد تسالم حقاق واقع شده است (فخلعلی و سلطانی و شیخی نصر آبادی ۱۳۹۱:۴۷). بر منابع این قاعدان، مشهور فقهی شیعه، دریافت مقد در برای انجام عمل واجب را حرام دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰:۱۳۲۰; محقق اردبیلی، ۱۳۸۲/۸/۳، انتشارات، ۱۳۸۲).

از منظر حقوقی تبصیر الحاقی ماده ۳۳۶ ق.م، استحقاق اجرای مثال بیان زوجه را مربوط به انجام فعالیت‌هایی دانسته است که شرعا جزء وظایف اتفاق نیست. در واقع هنگامی که عقید نتاج به نحو صحت واقع و حقوق و تکلیف زوجت برقرار گردد، طرف دیگر نمی تواند به نحوی خودخواسته انجام وظایف خوش را می‌تواند به کسب اجرای بنیادی کارهای منزل از قبل تهیه گذاشته و مستلزم لباس شوهر، رسیدگی به بسیاری از امور شخصی شوهر و حتی مطابق با ماده ۱۱۷۶ قانون محترم شیخ‌دادن به فرزند جزء تکلیف زوجت نیست و تعهد زوجه به انجام آن فقط اختلافی است. لذا زوجی می‌تواند این کارها را به‌سرعت گرفت اجری انجام دهد. به‌عنوان مثال در ماده ۱۱۷۶ ق.م بیان شده: «مادر مجروح نیست به طرف خود شیر به‌سد مگر در صورتی که تغییر طعلب به‌غير شیر مادر ممکن نباشد.» به‌همین دلیل مادری می‌تواند در شرایط عادی برای شیر دادن به فضای اجرای تماید (ماهیانی، ۱۳۸۲:۱۱). در حوزه اجتهاد بر حضانت از منظر فقهی، بسیاری از قطعا مدعیان مادری می‌توانند بابت آن از بدر فرزند اجتن مطالبه بنیاد خواهند کرد (نجفی، ۱۴۰۴:۱۴۰۵-۱۴۰۶/۲: ۱۴۱۰; خوئی، ۱۴۱۰; می‌تواند به حضانت فرزند اجتن بگیرد (شهید ثانی، ۱۴۱۰:۱۴۱۰). اما از منظر حقوقی قانون مذکر نگهداری فرزند را حق و تکلیف ایوبن دانسته است (ماده ۱۱۸۸ ق.م) و آنها را موظف
نمونه‌کا در ترتیب اولاد به یکدیگر معادل‌شده‌اند (ماده 114 ق.م). لذا این حقوقدانان معتقدند که زوجه منی‌تواند بابت حضانت و ترتیب اولاد خود اجرت نقاضا کند (کاتوزیان، 1383: 1387 فإ).

انجام رفتار و کارهای مربوط به حسن معاشرت و معاضد در تشییع مبانی خانواده نیز جزو تعمیدات مشترک زوج و زوجه است که از عقد نکاح ناشی می‌شود و زن برای انجام آنها حق مطالبه اجرت از زوج را ندارد (محمدی، 1383: 1384). از همین رو برخی محاکم انجام اموری از قبل طیخ‌گذار و اداره منزل را برای تشییع مبانی خانواده ضروری شناخته و زوجه را از این حیث مستحق دریافت اجرت می‌دانند. ۱

اما انجام بسیاری از امور خانگی در بی‌پای تفکیک‌هایی که ممکن است در جهت کمک به اقتصاد خانواده انجام دهده، منی‌توان از این باب بر زن تحمل کرد. در روایاتی که حقوق زوجین را بر یکدیگر برای شماری، هرگز چنین وظیفه‌ای بر زن واجب نگردیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۴۷: ۱۱۷). ۱ قانون گذار هم در تعیین اینکه چه کارهایی جزو وظایف زن است، ملاک را شروع ماده داده است.

۲ دستور زوج

همان‌گونه که بر این از فقه‌ها تصویری نموده‌اند، اگر چیزی در این دیگری بدون دستور یا اجازه وی کاری انجام دهد اجرت ندارد (صاحب غریه، ۱۳۴۰: ۱۲۶/۵۷). ماده ۳۳۷ قانون مدنی و نیز برآورده‌اند به اجرت انجام‌شده است. این انجام خودسرانه کار منی‌تواند برای دیگری درخواست زوج اوش در ماده ۳۳۳ می‌تواند به معنای خواست است که هم شامل دستور و فرامین می‌شود و هم موردی را در بر می‌گیرد که شخصی از دیگری درخواست می‌کند که کاری را برای او انجام دهد (صفایی و رحمی، ۱۳۵۱: ص ۵۰).

در تحقیق این شرط ملاک این است که استفاده کننده به نحوی عامل را به انجام کار بپردازد و قرفقی منی کنند که این اگرچه با قرار استفاده کننده باشد یا قرار با لایه فقهی حکم، ۱۳۹۱: (۱۴۲/۱۲).

---

۱ برای ویدن منوی در این مطلب در این خصوص راهنما: جمعه آراء قضایی واقع‌هایی، تأیید دفتر انستا تبریز در دانشگاه مجموعه آراء قضایی واقع‌هایی (۱۳۸۲) (۱۳۸۲)، ج. دوم، مقدمات حقوقی و مشاورات قانونی اسلامی، ق. ۱۱۷ (۱۳۷۶)؛ تأیید رأی صادره از (۱۳۷۶) دانشگاه حقوقی اسلام‌شهر.
۲ برای ویدن وظیفه‌ای خودerto دیگری در مقابل سوء‌کارکرد که مکارم شیرازی، نامه (۱۳۸۲)، کتاب‌های کنار، ص ۸، ج. ۸، ج. اول، ق. مدرسه.
۳ برای ویدن مطلب (اع)، ص ۱۴۲/۱۲.
رفتار استفاده گذراندن با یاد سبب انجام کار توسط عامل گردید و لزومی ندارد که دخلت
استفاده گذراندن به صورت دستور و فرم انباش، درخواست و حتی اذن از من توانست در بانک گفتن
عامل و جلب اعتماده مؤثر باشد و سبب انجام کار توسط عامل شود (کانوفیژان، 1399: 248).
اتفاک گذراندن (آمر) با یاد به گوتهای مؤثر باشد که در دیده و زبان کننگه ارم یا درخواست
با اذن و نمی‌توان کار انجام نمی‌شد (همان).

اثبات تحقیق این شرط بر عهده زوجه است. زوجه در مطالعه اجرت‌های مثل مدعی است و
مطابق قاعده «البتیه علی المدعی» بار اثبات بر دوش مدعی است. لذا زوجه که خواهان
اجرت‌الملع است، با یاد صدور دستور از ناحیه زوجه انجام کارهای خانه را نتابند کند
(امدی، 1381: 47). اما زوجه در اثبات این شرط کار دوباره در پیش دارد. اصول اثبات
واضح‌ها در قانون خانوادگی که صرفًا زوجین و یا فرزندان در آن حضور دارند، امری بس
مشکل است.

برخی از دادگاه‌ها نقض‌الحکم شوره را در امر مطالعه عمل، مرفوع می‌پندارند. به نظر ایشان
با توجه به ریاست زوجه بر خانواده، انجام امور منزل به دستور او مرفوع است و نیازی به اثبات
دستور لفظی و صریح توسط زوجه نیست. ۱ در همین خصوص برخی چنین نگاشته‌اند. که اگر
زوجه برای انجام امور منزل اقدامی انجام ندهد، مورد سؤال و عتاب قرار می‌گیرد و لذا اگر او قبیل
از امر شوره از روزی بهم سؤال و عتاب بعیدی عملی انجام دهد، استحکام اجرت عمل را دارد
(امدی، 1391: 550). در این خصوص، اعتقاد به اینکه صرف این شرط برای تحقیق این شرط
کافی است، امکان صدور رأی بر استحکام اجرت را افراشیده و با اثبات این شرط را می‌پذیرد.

3 عدم قصد تبرغ

یکی از شرط‌های لازم جهت مطالعه اجرت‌های مثل ناشی از استیقا، تبرع نیومن عمل است.
عاملی که کاری را با قصد تبرغ انجام می‌دهد، نمی‌تواند درخواست اجرت نماید؛ حتی اگر آمر

1- به عنوان نمونه رک: مجموعه آراء قضایی دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران (حملی) (۱۳۹۳)، چاپ اول، مرکز مطالعات و
انتشارات قوه قضاییه، ص ۸۱۸. آراء شیعه ۲ دادگاه تجدید نظر تهران در نقض داده‌های ۲۴۵۵-۱۳۴۷، صادره از شعبه ۳۲ دادگاه عمومی خانواده تهران.
بررسی حق در حدبیت اجرت مثل فعالیت‌های زوجه و امکان جمع آن با حقوق مالی ویژه طلاق

کسی برداشت عوضی را داشته باشد (محقق داماد، 1383: جهت شرط محوری استحقاق اجرت مثل قصد عمال است نه آمر.

برای استحقاق اجرت لازم نیست که عامل حتماً قصد دریافت اجرت داشته باشد بلکه قصد تبعی یا کفایت می‌کند (صاحب چاوه، 1404: صاحب عروه، همان: 123)

به همین ترتیب تبعیض الحاقی نیز عدم قصد تبعیز را شرط دانسته است. «عدم قصد تبعیز» به معناً این نیست که زوجه باید در انجام کارهای مورد نظر لزوماً قصد دریافت اجرت داشته باشد.

بلکه صرف اینکه قصد تبعیز نداشته باشد، مستحق اجرت کار خود را انجام دهد.

آن‌گونه که در دل ماده 336 قانون مدنی نیز اشاره‌شده است، اصل بر تبعیز نیودن عمل است و مدعي تبعیز بودن باید ادعای خود را ثابت نماید. به نظر می‌رسد که باید به تفاوت

وازون شریعت در خانواده با روابط معاملاتی و کاری اقدام در خارج از آن اذعان دائم. حسن مشاوره طرفین در صاخت زندگی مشترک آینده نمی‌تواند دلیل بر غیر تبعیز بودن عملی قرار گیرد که بقصد محبت و تعاون و بدون جشن‌دار انجام شده است. ظاهر در خانواده های

ایرانی این است که زن در بسیاری موارد برخورداری کار می‌کند و قصد دریافت اجرت را ندارد. از

همین رو تبعیض الحاقی برخلاف اصل عدم قصد تبعیز لازم دانسته است.

عرف تفسیرکنندگان اراده طرفین و بیانگر قصد زوجه است. لذا «داغدا» در این زمینه حکع

است. آگر با توجه به عرف امرار قضایی بر قصد تبعیز زن حراز شود، اثبات عدم قصد تبعیز به

عهد زوجه است. هرگاه کارهایی که زن به درخواست شهروی انجام داده مربوط به کارهای منزل

نبشده، قبل امرار تبعیز دشار است (صفایی و رحیمی، 1393: 1493).

با این وجود در لزوم اثبات این شرط بی‌خیال داگداها با عناصر به اصل اولیه عدم تبعیز و اینکه

عامل به نیت خود بر عدم قصد تبعیز آگاهت است و در صورت نزاع بر قصد تبعیز قول می‌کند است (صاحب چاوه، همان: صاحب عروه، همان: ۱/ سخن زوجه را ملاک تبعیز قصد یا قرار

1- بند الف تبصره ۶ ماده ۱۳۸۳ اصلاح مقررات مربوط به طلاق نیز به عدم قصد تبعیز اعمال داشته و آن را لیستن اثبات

می‌دانست. به ظور کلی آنچه که عوام تبعیض الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی به توصیف رسیده، همان علت مدیری در بند الف

تبصره ۶ ماده ۱۳۸۳ اصلاح مقررات مربوط به طلاق نیز به عدم قصد تبعیز اعمال داشته و آن را لیستن اثبات داشت.

کار اجرا تمیز شده با توصیف رسیده است.

2- در ضمن بهبود آیت الله سیدستانی در پاسخ به این سوالات که در ارگ اثبات اینکه تمامی دارای زندگی مشترک زناشویی بر عه

یا عدم تبعیز حاصل یا داگداهانه که آگر زن اذعان کرده قصد تبعیز نداشته یافته می‌شورد، داتیانه یافته می‌شود، در مقام تحقیقات قطعی، مجموعه آرا،

فعّل قضایی در امور حقوقی، قم، معاونت آموزش و تحقیقات فوکا فقهی، جلد ۴، جلد ۴، جلد ۴، ۱۳۸۳ (۱۳۹۹) و ۱۳۸۳ (۱۳۹۹).}
داده و پیام نموده‌اند که تقدیم دادخواست مطالبه‌ای اجرت‌المثل، به‌طور ضمینه بیانگر عدم تبرع
بودن کارخانه انجام‌گرفته توسط زوجه، است.

4) اجرت داشتن کار در عرف

ماده ۲۳۶ قانون مدنی اقامه به عملی را مستحق اجرت می‌داند که عرف‌آ باید برای آن عمل
اجرتبی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیاً آن عمل باشد. بصره ۶ ماده‌واحد اصلاح مقررات
مربوط به طلاق ذکری از این شرط به مبانی نیاز‌دهنده بود اما تبصره الحاقی ماده ۲۳۶ قانون مدنی به
آن اشاره کرد است.

کارخانه که در حیطه وظایف قانونی شخص انجام می‌شود و نیز کارخانه که به‌طور معمول
 به‌قصد احسان و رعايت تراکت انجام می‌گیرد، در عرف عرف زاده اجرت تلقی می‌شود. موضوع
اسلام این شرط این است که کارخانه انجام‌گرفته، در دید عرف و نواعاً در ارتباط اجرت باشد مثلاً اگر
زن مرز در منزل را به روي شوره باز می‌کرده است عملی است که در دید عرف فاقد اجرت
است اما اعمالی مانند نظافت منزل کارخانه هستند که عرفآ و نواعاً دارای اجرت و ارزش مادی
می‌باشند.

ج) محاسبه اجرت المثل در روابط مالی زوجین

آن‌گونه که شرح آن رفت، الزامی که شوره به پرداخت اجرت پیدا می‌کند، ضمان ناشی از
استیفای است و پیش از انجام دادن کار مورد استفاده ایجاد نمی‌شود. از این منظر اجرت المثل،
مابه‌ای عرفی و بازازی آن منافعی است که شوره باید در ارای منافع استیفای شده به زوجه
پرداخت نماید.

همان‌گونه که ادعا حقوقی قوه قضائیه در نظرگیرنده
۱۳۸۱/۵/۱۴-۷/۱۲۷۲ علائم نموده است،
دادگاه می‌تواند رجوع به تعیین حق الاجم به فعالیت‌های زوجه اقامه نماید اما معمولاً
دادگاه با جلب نظر کارشناس در این خصوص اقامه می‌کند. نظریه کارشناس نیز برای دادگاه
وضعیت ندارد و ممکن است دادگاه به توجه به عوامل مؤثر در این خصوص مبلغ اعلام‌شده را
نه‌پذیرد و به میزان کمتری نیز از آنچه کارشناس اعلام نموده است، رای صادر نماید.1

1- به عنوان نمونه رک: مجموعه آراء قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (تحقیقی)،بهرام، ص ۱۴۶ (آذر شعبه ۷۷ دادگاه
تجدیدنظر نظر تهران در نقش دادگاه‌های ۱۲۴۹ به مراجعه به شعبه ۷۴ دادگاه عومومی خانواده تهران.
2- در این خصوص برای دیدن نمونه‌ای از آراء محامین رک: محمود بازدیدی، روضه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در
امور خانواده ۱۳۸۱/۲، ج دوم، انتشارات جنگل، صص۱۴۷-۱۴۳.
برای محاسبه اجرت المثل ابتدا باید نوع و میزان فعالیت‌های زوجه مشخص شود. در این مورد دادگاه کارشناس می‌تواند با توجه به عوامل مؤثر همچون طول زندگی مشترک، شاغل بودن یا نبودن زوجه، تعداد فرزندان و ... به محاسبه تقیی آن پیشرفت دهد. جراح می‌توان فرض کرد که هرچه زن سال‌های بیشتری را در منزل شوهر سوره کرده فعالیت‌های بیشتری در قبال زوج انجام داده است. با این حال که هرگز شاید دارند، طبیعتاً با بدن نسبت به زنی که اصطلاحاً فقط خانه‌دار است، فعالیت‌های بیشتری در خانه انجام داده باشند. تعداد فرزندان بیشتر نیز اصولاً به معنای فعالیت بیشتر زوجه در منزل است.

در هر حال محاسبه دقیق و واقعی اجرت فعالیت‌های زوجه که در میان خصوصی خانواده و معمولاً در یک بستر زمانی طولانی بودن بست و ضبط انجام‌گرفته است، بسیار دشوار است. دادگاه پس از ارزیابی استحکام زوجه برای دریافت اجرت المثل و با توجه به عوامل مؤثر در تعیین نوع و میزان فعالیت‌هایی که زوجه خارج از وظایف خود انجام داده است، راساً یا با ارجاع به کارشناس مبلغ را به عنوان اجرت المثل تعیین می‌کند. کارشناس مبلغ اجرت المثل را با توجه به حداکثر دستمزد موضوع آن‌نامه حداکثر دستمزد شوراوانی کال مصوب ۱۳۴۵ و حداقل دستمزدهای علامین بعید و با لحاظ تغییر شاخص‌های کالا برای هر سال و یا روش متوسط دستمزد اولین روز (آغاز زندگی مشترک) با آخرین دستمزد (پایان زندگی مشترک) و با تعیین اجرت المثل جدایگانه برای هر سال تعیین و اعلام می‌کند (انصاری پور و صادقی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۵)

بررسی احکام صادرو از محاکم نشنال می‌دهد که میزان اجرت تعیین شده در پروندهها، به میزان قابل توجهی متفاوت است (دولت‌آبادی: ۱۳۸۵: ۴). طبیعتاً تفاوت در وضعیت فعالیت‌های انجام شده توسط زوجه و شرایط خاص هر پرونده موجب می‌شود که مناسب با آن مبالغ متفاوت تعیین شود اما این اختلاف‌ها روشن در تعیین اجرت المثل می‌دانند. لذا ضروری است که در این خصوص ضابطه‌ای روشن مورد استفاده کارشناسان قرار گیرد (انصاری پور و صادقی مقدم، همای).

علاوه بر این، نظر می‌رسد که این اختلاف در میزان اجرت المثل تها و ضابطه کارشناس در اجرت المثل مربوط به کلیه در برخی موارد به شرایط اجرت المثل برهم گردید. وجود
اختلاف نظر در شرایط اجرت المثل به‌ویژه اینکه چه فعالیت‌هایی جز وظایف زوجیت محصول مرد شود، از جمله عواملی است که موجب تفاوت فاحش می‌شود. اجرت المثل در پرونده‌های تقیبی مشابه شده است. به‌عنوان مثال و آن‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، برخی دادگاه‌ها فعالیت مانند طبخ غذا را جهت معادل‌سازی در تشییع مبانی خانواده ضروری و درنتیجه فاقد اجرت می‌دانند. در این خصوص آن‌طوری تصریح نمایان گردیده ماده ۳۳۶ ق.م. به شرح اشاره نموده که بر این اساس می‌توان با توجه به وظایف فعالیت‌های زوجیت، عمده فعالیت‌های زوجیت را غیرموظفی دانست.

از طرفی دیگر تفسیر گسترده از تکلیف زوجیت و تأکید بر مفاهیمی که همانند حسن معافیت (ماده ۱۱۱۰ ق.م.) و معافیت در تشییع مبانی خانواده و تربیت ولادت (ماده ۱۱۱۴ ق.م.)، موجب می‌شود که بسیاری از فعالیت‌های زوجیت وظایف زوجیت فلسفه‌گردد. در خصوص اینکه کدام فعالیت‌های زوجیت مستحق اجرت است، وحدت رویه‌ای وجود ندارد و در این دامنه گسترده اختلاف‌های حقوقی قاضی و شعبایی با توجه به استنباط قضاوی خود مبادرت به صدور رأی می‌کند که این امر در محاسبه اجرت المثل به‌سهیم خود موجب اختلاف در میزان آن در پرونده‌های مشابه می‌شود.

بند دوم: اجرت المثل و حقوق مالی ویژه طلاق

حقوق مالی زن در حقوق ایران را می‌توان از یک لحاظ به دو دسته تقسیم نمود: حقوق مالی مانند مهره و نقده که در دوران زوجیت محقق و قابل مطالعه هستند و حقوق مالی دیگری که منوط به طلاق و جداگانه هستند. اجرت المثل که در مقرره تبصره ۲ ماده‌اول اصلاح مقررات مریوت به طلاق به هنگام طلاق محدود می‌شود، در تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی مشروط به زمان خاصی نیست و پس از تحقق قابل مطالعه است؛ اما حقوق مالی دیگر زوجه شامل نجله، مقرری ماهیانه و شرط تخصیص دارایی منوط به زمان طلاق است. در ادامه به بررسی ارتباط این حقوق با اجرت المثل می‌پردازیم.

الف) ارتباط اجرت المثل با مقرری ماهانه

چند از ماده ۳۳۶ قانون مدنی تا قبل از تصویب قانون حمایت خانواده، حقوق مالی زن عمدتاً محدود به نقده و مهره بود. زن استحکام‌مند نسبت به اموال شوهر که در سایه تلاش و حمایت او حاصل شده، ندافت و تکلیف مالی خاصی جز پرداخت نقده و مهره به‌گردان شوهر
بررسی حق دریافت اجرت افرادی که رزقه‌ای از طرف‌های مالی و امکانات ایجاد کرده‌اند، در کشورهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع مهم است زیرا در مواردی که افراد مالی رزق منجر به سود مالی به دست آورده‌اند، باید اجرت آنها را نیز در نظر گرفته شود. این مسئله به‌طور خاص در ایران بیشتر مطرح شده است.

از اینرو در راستای حمایت از زنان و تحصیل توسط افراد در طول جغرافیایی و نیز مطالعه عملکرد مناسب‌تری که بر اساس قانون‌های مالی و امکانات در ایران انجام می‌شود، می‌توان به عنوان یکی از اهداف اصلی این تحقیق مطرح کرد.

پس از تصویب قانون حمایت خانواده در سال 1353، نظام حقوقی خانواده پس از اقلیاب دست‌خوش تغییرات مهمی شد. نهاد اجرت‌های مالی و ناهد این نظام شد و مطالب به مقرر ماهانه را به مراجعین مقدماتی که قانون حمایت خانواده و ماده 11 از این تحقیقات حقوقی پس از اقلیاب به‌کلی نسبت شده است. و نظر برخی افراد، در این رابطه به اجرای مقررات قانونی مرتبط با این قانون محساس شده و حکم مربوط به افزایش روزه از هزینه و زوج به دلیل تفسیر زوج و سبیل، این تفسیر در صدور گذاری عدم امکان سازش کمک‌کننده به قوت خود باقی است (دبیانی، 1376: 195).

اگر نظر می‌رسد باید معتقد بود که این ماده کمک‌کننده به قوت حقوقی خود باقی است. و در مواردی که اجرای اصلاح مقررات مربوط به طلاق، این امر به‌صورت در قانون مدنی نیز قابل استنباط بود. بنابراین به برخی از این موارد مناسب‌تر اصلاح مقررات مربوط به طلاق و قبول از تصویب الحاق یک بیشتر به ماده 136 می‌تواند به‌عنوان یکی از مدل‌های حمایت از این‌ها در کشور مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی حق دریافت اجرت افرادی، که رزقه‌ای از طرف‌های مالی و امکانات ایجاد کرده‌اند، در کشورهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع مهم است زیرا در مواردی که افراد مالی رزق منجر به سود مالی به دست آورده‌اند، باید اجرت آنها را نیز در نظر گرفته شود. این مسئله به‌طور خاص در ایران بیشتر مطرح شده است.

از اینرو در راستای حمایت از زنان و تحصیل توسط افراد در طول جغرافیایی و نیز مطالعه عملکرد مناسب‌تری که بر اساس قانون‌های مالی و امکانات در ایران انجام می‌شود، می‌توان به عنوان یکی از اهداف اصلی این تحقیق مطرح کرد.

پس از تصویب قانون حمایت خانواده در سال 1353، نظام حقوقی خانواده پس از اقلیاب دست‌خوش تغییرات مهمی شد. نهاد اجرت‌های مالی و ناهد این نظام شد و مطالب به مقرر ماهانه را به مراجعین مقدماتی که قانون حمایت خانواده و ماده 11 از این تحقیقات حقوقی پس از اقلیاب به‌کلی نسبت شده است. و نظر برخی افراد، در این رابطه به اجرای مقررات قانونی مرتبط با این قانون محساس شده و حکم مربوط به افزایش روزه از هزینه و زوج به دلیل تفسیر زوج و سبیل، این تفسیر در صدور گذاری عدم امکان سازش کمک‌کننده به قوت خود باقی است (دبیانی، 1376: 195).

اگر نظر می‌رسد باید معتقد بود که این ماده کمک‌کننده به قوت حقوقی خود باقی است. و در مواردی که اجرای اصلاح مقررات مربوط به طلاق، این امر به‌صورت در قانون مدنی نیز قابل استنباط بود. بنابراین به برخی از این موارد مناسب‌تر اصلاح مقررات مربوط به طلاق و قبول از تصویب الحاق یک بیشتر به ماده 136 می‌تواند به‌عنوان یکی از مدل‌های حمایت از این‌ها در کشور مورد بررسی قرار گیرد.
تا ماده 11 قانون حماية خانواده مشمول حكم نسخ قانون مقدم توسط قانون مؤخر شود. اصل نیز بر نقش قانون است و تا زمانی که نسخ قانون محترم نگرده نهاده است، ثابت بوده ولایت اجرای خواهد بود.

در قانون حماية خانواده جدید نیز، علی رغم تصمیم به نسخ بسیاری از قوانین مرتبه به خانواده ازجمله ماده واحده اصلاح مقررات طلاق، به قانون حمایت خانواده 1353 اشاره نشده و اجرام‌الملع موضوع تبصره الحاقی ماده 326 ق.م. که در راستای من ماده و مطالب قاعدة استیفا است، تا نهایی قانون دریافت اجرام‌الملع فارغ‌رسوی است، بنابرین باید حکم مقری ماهان را به نظر تحقیق هر جه بیشتر عدالت از طرف آسیب‌دیده رابطه زوجیت پس از طلاق حمایت می‌کند، در نظام حقوقی ایران معتبر دانست.

ب) ارتباط اجرام‌الملع با نجلا

ماده واحده اصلاح مقررات مرتبه به طلاق علاوه بر اجرام‌الملع نهادی دیگری به نام "نجله" وارد نظام حقوقی ایران کرد که بیش‌از‌الباین سابقه نداشت. باوجود نسخ صریح این ماده واحده، مفهوم در قانون جدید حمایت خانواده این نهاد مالی را به همان صورت حفظ نموده است. ابتدا در لایحه قانون حمایت خانواده ماده‌ای به بحث نشان اختصاصی یافته بود و مقرر می‌دانست:

"چنانچه مطالب بصرة ماده 336 قانون مدنی اجرام‌الملعی به زوجه تعلق نگرده و طلاق بنا به درخواست زوجه با ناشی از تخلف از وظایف همسری یا ضرر اخلاق و غرس در وی ناشست، دادگاه با توجه به سنوات زندگی و وضع مالی زوج و نوع کارهایی که زوجه در خانه انجام داده است، مبلغی را از باب نحل برای زوجه تعیین می‌کند.

اما در لایحه نهایی قانون حمایت خانواده که در اول استبان 1391 به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ 91/12/19 به تأیید شورای نخستیده، ماده مذکور حذف شد و ماده آخر "بندب تبصره 6 قانون اصلاح قانون مرتبه به طلاق مصوب 1371/12/21" را از شمول نسخ خارج و معتبر دانست.

مطالب بند ب تبصره 6 "در غیر مورد بند الف با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در منزل شوهر انجام داده و وضع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشید
شرط نحله. از همان روز در پیش نوس قانون جدید حمايت نحله ماده‌ای در خصوص نحله وجود داشته که "چنانچه مطابق تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی اجرت‌المللی به زوجه تعلق نگیرد..." را به عنوان اولین شرط استحکام نحله مطرح می‌ساخت اما در روند تصویب حذف گردید. در واقع از این دو هدف مقتن از وضع نهاد نحله، تمهید برای حمایت از زنی است که با نهاد نحله این طریقی که زوجه در خانه شوره انجام داده است، به‌خوبی مؤید این امر است. از طرفی دیگر کوچک دیده در اینجیه مشابه نهاد نحله از اینجا در ابتدا تأسیس نهاد نحله، در مقام تردید در اینجا آیا شرایط نحله تغییر کرده است یا خیر؟ و این اصل را بر عدم تغییر و نقای شرایط سابقه دانست.

مطابق آنچه گفته شد، از دستگاه که در نظام حقوقی کشور ما، رابطه بین اجرت‌الملل و نحله یک رابطه طولی است. بدین معنا که علمی رسم‌زا ماهوی این دو نهاد، زوجه تها در صورتی که امکان مطالبه اجرت‌الملل نداشته باشد، می‌تواند خواستار نحله گردد. برخلاف اجرت‌الملل که عوض، عمل انجام شده است (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۲۱)، نحله در بند ب تبصره ۶ ماده‌واحد مذکور به معنای بخشی اجباری است که ممکن است دادگاه با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کاراهی که زوجه در خانه شوره انجام داده و وضع مالی زوج، شوره را ملزم به پرداخت آن تماید (محمدی، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۰). آنچه ملاک تعیین میزان نحله است بر خلاف اجرت‌الملل، وضع مالی زوج است و دادگاه با نهاد به سنوات زندگی مشترک و بضاعت مالی زوج حکم به پرداخت آن می‌دهد (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۸). اما برخی از این جهت انتقاد کرده‌اند که "توجه انصاری به وضع مالی زوج و بر علیکه به شوندات زوجه در بند ب تبصره ۶ [در عمل] می‌تواند موجب شود که زوجه با تأقید باری با اموال، خود را تکنگست و معرض مافیا کند تا نحله را با زوجه تبیان داده با میزان آن را کاهش دهد. پس مناسب است به‌جای شرط استحکام زوجه، این قید در شرایط اجباری پرداخت قرار گیرد؟ همان‌گونه که در تبصره ۳، اعضا زوج تأیید شده نمی‌گردد. باز تا کند و تها شویه پرداخت آن را داگران می‌سازد." (کاظمی و میرخانی، ۱۳۸۳: ۱۵۴).

به‌هر حال آن لحاظ عدم لزوم دلایل اثباتی (بی‌ویژه اینکه بار اثبات شرایطی مانند عدم قصد تبریع و دستور زوجه در اجرت‌الملل به عهده زوجه است)، نظر وزارت نحله دیگر و مناسب‌تر از
اجر مصری است: اما برخلاف اجر مصری است (که اکنون ته مطلق یا شرایط تبصره الحاصل ماده ۳۲۶ ق.م. قابل مطالبه است) مشمول محدودیت‌های مندرج در صدر تبصره ۶ ماده‌واحدی اصلاح مقررات طلاق است. با توجه به صدر تبصره ۶ و بند ب آن، مطالبه نحل برخلاف اجر مصری است (که شرط به عدم تقاضای زوج و محدود به همان طلاق نبوده و در دوران انجام زندگی مشترک و حتی پس از فوت زوج قابل مطالبه است). تنا حجت طلاق امکان‌پذیر است و این طلاق ناباید نسبت به زن باشد. چنانچه طلاق از طرف زوجه باشد، همانند طلاق خعل با به نحوی نسبت به او باشد مثل مواردی یا طلاق ناشی از تخلف زن و وظایف زناشویی باشد، وزن مستحکم نحل نخواهد بود.

همچنین مطالب زبانی که به دست اجر مصری است ماده‌واحدی مذکور مطلب مقدمه‌کننده‌ای مفرزی ماهان مذکور در ماده ۱۱ قانون حمایت از خانواده، قانون ۱۳۵۲ کلی آن جزئی نخواهد است. در بحث رابطه اجر مصری و مفرزی ماهان در رد این نظر انتخاب دادم که بند این تبصره فوق نمی‌تواند ناسیک ماده ۱۱ قانون فوق باشد اما از خصوصی اینکه آیا بند ب این تبصره (نحل) می‌تواند موجب نسخ نهاد مقرر در ماده ۱۱ قانون حمایت از خانواده، قانون ۱۳۵۲ به می‌تواند که دست اجر مصری است.

در پابند می‌توان گفت هرچند نحل وزن مجاز استما به‌عنوان در طول اجر مصری است این قرار دارد و استحکام آن منتوث به عدم تحقق اجر مصری متوالیت‌های اوسط. تبصره ۶ ماده‌واحدی مذکور تها در پس این بوسیه است که پرداخت اجر مصری متوالیت‌های غیرموردی زوجه را که منابع قوی در فقه دارد و ابتدا نیز بر مبنای استیفا قابل مطالبه بوده است، وارد تصمیمات قضایی دادگاه‌ها نماید. قانون گذار در پند ب این

اضفای آگاهی بطری لجز مشروط به طلاق است اما پس از طلاق قابل مطالبه است. در هر می‌کنند شبه دوم دادگاه تحکیم‌نظر استان ایران در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۸ مصرف استاد دانش علماً زبان مورد است که نحل و بخشش پس از طلاق قابل مطالبه است و زوجه در صورت وجود طرفی زور وسط می‌تواند پس از طلاق جهت مطالعه آن دادگاه‌ها ده. در کک: محمدرضا زندی در رهی تصمیم‌گیری‌های تجدیدنظر استان ایران در امور خانواده (۱۳۹۱، ج، دور: اشتری دانشگاه ص۱۵۵).
تصویر به وضع نهله قصید حمایت از زوجه‌ای داشته است که با وجود انگیزه‌های
غیر موظف در منزل بودن تقصیر و سوء رفتار در زندگی مشترک با اراده‌ای شوره طلاق داده می‌شد
و در هنگام طلاق از مدت‌ها زندگی مشترک با شوره به‌ویژه می‌برد. لذا با توجه به رابطه طولی
اجرت و نهله و نیز اشاره به "نوع کارهایی که زوجه در منزل شوره انجام داده" باید گفت
غرض قانون‌گذار این بوده است که بی‌ورین طریق به الهام از بخشی منابع قله‌هی در باسخ به
نلال‌هایی که زوجه با قدین تبعاً با بودن دستور شوره انجام داده است، زوج را به بخششی
اجباری ملزم نماید. درنتیجه همان‌گونه که اجرت تعلیم‌مقرر در بند افت نمی‌تواند موجب نشخ
مقرری ماهانه شده باشد، بنابراین نمی‌توان مستقیماً نامات نهاد مقرری مذکور باشد.

ج) ارتباط اجرت‌الملح با شرط تصفیه دارایی
مطابق بند "الف" از شرایط ضمن عقد نکاح مندرج در نکاح تام‌های رسمی، چنانچه
طلاق به درخواست زوجه نباید و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از
وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباید، زوج مكلف است تا نصف دارایی موجود خود
را که در ایام زناشویی با وی به دست آورده با معادل آن را طبق نظر دادگاه، بلاعوض به زوجه
منتقل نماید.

تبرصه ۵ ماه‌واحده مذکور در سال ۱۳۷۱ در راستای حمایت از حقوق زنان و تحقیق هر
چی به‌ویژه اراده مورد در طلاق همسر خورش به تصویب رسید. مطالعه اجرت‌الملح طی این تبرصه
محدود به وجود شرایطی بود؛ ازجمله اینه طلاق به درخواست زوجه یا تانشی از سوء رفتار یا
قصور از انجام وظایف همسری نباید. ازبین جهت این مقرر به شرط تصفیه مندرج در سند
نکاح مشابهت داشت. از طرفی دیگر این تبرصه تصریح می‌کرد که چنانچه ضمن عقد نکاح یا
عقد خارج لازم در خصوص امور مالی شرطی شده باشد، طبق آن عمل می‌شود.

بر این اساس نظر غالب بر این بوده که شرط تتصویف مصداق این شرط مالی است و مطالعه
اجرتهالی با الزام شوره به انتقال تا یکی دوری قابل جمع نیست. برخی در هنین راستا
استدلال‌های دیگری نیز مطرح می‌کردند ازجمله اینکه اجرتهالی در قبال زحماتی است که
زوجه در طول زندگی مشترک متاحل شده است از نسبت به اموال زوجه حق مطالعه ندارد و
زمانی می‌تواند مطالعه اموال تحصیل شده توسط زوجه را نماید و در حصول و افزایش آن

به عنوان نمونه وکل: محمدرضا زندی، روحی فلسفی دادگستری تجدیدنظر استان تهران در امور خانواده، ۱۳۹۱، ص. ۲۹۹.

۱- به عبنان پناهه رک: مجموعه آراء فلسفی دادگستری تجدیدنظر استان تهران (حقوقداری)، همراه، ص. ۳۲۷. (داده‌نامه ۱۳۹۱/۱۱/۱۱). شماره ۱۰۸۶۷/۱۳۹۰. (داده‌نامه ۱۳۹۰/۰۹/۳۰) و از آن در شعبه ۶۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران خانواده تهران مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱/۲۱ نسبت به آن بررسی‌های انجام شده است.

به عنوان نمونه وکل: مهدی میروند، وکلای حق دریافت اجرت، مدارک، دادگاه‌های زوجه و امکان جمع آن با حقوق مالی ویژه طلاق.
اعتبار بند ب تبصره ۶ معقد بود که صدر این تبصره ازجمله اشتراع آن با مصرف تصویف همچنان
پارچه است؟ بند ب این تبصره راجع به نحله است که در طول اجرت‌المل امر می‌دارد؛ بدن معنا
اگر شرایط اجرت‌المل وجود نداشت با قابلیت‌های تبادل نحله قابل مطالعه است و اگر رأی به
برداخت اجرت‌المل صادر شود دیگر زن مستحکم نحله نخواهد بود. لذا اجرت‌المل و نحله
على رغم رابطه حقوقی به مفهومی که ذکر شد با یکدیگر دارند، دارای ماهیت جدا هستند. آن
بخش از تبصره ۶ ماده‌واحد مذکور که از شرط مالی سخن می‌گوید، بسیار حساس می‌شود، مربوط
به اجرت‌المل است و ارتباطی با نحله ندارد تا قائل به بقای آن باشم; بنابراین با توجه به بند
۸ ماده ۵۸ قانون حمايت خانواده سال ۱۳۹۱، آن قسمت از تبصره ۶ ماده‌واحد مذکور که
به‌شرط مالی اشتباه نموده است نیز نخ سه است.

مشابه شرایط مطالبه اجرت‌المل مقرر در تبصره ۶ و شرایط تحقیق شرط تنصیف نیز
موجب تقویت تصمیم‌برداری بود که این دو حق را غیرقابل جمع می‌دانست و در حال حاضر شرایط
اجرت‌المل در تبصره ماده ۳۴۱ ق.م که تناهی مستند قانونی مطالبه این حق است، مشابهی با
شرایط تحقیق شرط تنصیف ندارد و اجرت فعالیت‌های غیرموکث در هر زمان و حتی در فرض
تقصیر زوج قابل مطالبه است.

به‌هرحال این نسخ ماده‌واحد اصلاح معاینات مربوط به طلاق غیرقابل جمع بودن شرط
نصیف و اجرت‌المل از هیچ مقرراتی قابل استنباط نیست. با توجه به تقدیم ترازی طرفین بر
قاعدگی استیفا در حال حاضر تناها در صورتی می‌توان عقیده به عدم امکان جمع این دو حق داشته
که مفاد شرط تفصیف را ناظر فعالیت‌های زوج در منزل سه‌روهی دنبال اما با توجه به متن مذکور
در سند ازدواج، شمول شرط تفصیف نسبت به فعالیت‌های زوجی در دوران زندگی مشترک داشته
است دو و متن شرط مذکور در سند نکش تاب چنین تفسیر گسترده‌ای ندارد.

مسلمًا چنانچه حين نکافه عقد لازم در خصوص نحوه برداخت اجرت‌المل با
میزان آن تواقیف شده باشد، دادگاه در اجرا تبصره الحاقی، به شرایط موردترقی زوجین مراجعه
می‌کند (همانند، ص ۱۴۷); چراکه استحقاق بمنی استیفا در مرهبی‌ای بعد از قرارداد (و دیگر
ضمنات قهری یعنی استیلاء، تسهیل و اتلاف) چرای دارد و در صورتی که تواقیف بین طرفین
شکل گرفته باشد، نتیجه به استیفا نمی‌رسد.
با نگاه به متن شرط تشکیف که قید نموده که "طلاق به خروج زوج ناشی از تخلفات زوج از وظایف همسری ناشید" معلوم می‌شد که در نظر تظیم کننده، این شرط در این وصف تبیینی و تضمنی است (عابدی و صفوی شاملی، 1393، ص 153). در واقع این شرط به‌عنوان جلوگیری از سوء استفاده مرد از حق طلاق، حفاظت از حرم خانواده و حمایت از زنی که به جهت طلاق داده می‌شود، تنظیم شده است. از همین رو انتقال تا نصف دارایی اموال تحقیق شده در زمان زناشویی، بلاعوض است و در متن شرط ذکر گردیده است که جزو باید تا نصف این اموال را "طق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید" و منی‌تان این شرط را عوضی در برای خدمات زوجه در ایام زناشویی تلقی نمود (همان، ص 145).

منطوق شرط کنونی مذكور در سنده تکلیف دلایلی به فعالیت‌های غیرموزمظفی زوجه در طول زندگی مشترک ندارد. این شرط در اشاره‌ای به فعالیت‌های غیرموزمظفی زوجه در منزل شوهر ندارد و تنها ناظر به وضعیتی است که مرد همسر خود را با اعمال حق طلاق خود و بدون تخلف انز وظایف همسری با سوء اخلاق و رفتار اور، طلاق می‌دهد. در چنین وضعیتی اگر زن وظایف همسری خود را انجام داده باشد و سوء اخلاق و رفتاری نداشته باشد، شرایط تشکیف محقق است؛ چه فعالیت‌های غیرموزمظفی قابل اجرت انجام داده باشد یا نداده باشد.

بنابراین با قرار بودن شرایط اجرت المثل و شرط تشکیف، هر کدام مستقل از دیگری قابل مطابقه است و علی‌الاصل دادگاه نمی‌تواند مطابقه اجرت المثل را چه در دوران زندگی زناشویی و چه هنگام طلاق منوط به عدم تحقیق شرط تشکیف نماید.

با نام بند اف تبصره 6 ماده‌سازی اصلاح مقررات مربوط به طلاق، حقوق مالی زن‌انز

دوم لحاظی ماده 1 محدودیتهای مربوط به مطابقه اجرت المثل فعالیت‌های زوجه در زندگی مشترک در هنگام طلاق رفعت شده و با قرار بودن شرایطی استفایه مطابق با تبصره

الحاقی ماده 236 ق.م زوجه حتی باوجود نشوز مستحکم اجرت المثل خواهد بود.

محدودیت جمع بین اجرت المثل فعالیت‌های زوجه در دوران زندگی مشترک و شرط تشکیف

مندرج در سنده تکلیف از مبانی برداشته شده است و این دو حق مالی مستقل و با تحقیق شرایط و

ضوابط مربوط به خود قابل مطابقه می‌پاشند.
تشيئه

1) موضوع اجرت المثل فعاليته. نزوجه في سدة ده، شهب مرحلة را سين سر. قدماه:

، وابتند. هرجند مطالبة اجرت المثل ان فعاليتهما با تكبب با قاعدة استيفه و با استناد ماده 132 ق.م ممكن بود. اما تصوب ماده اجرت اصلاح مقررات مربط ب طلاق في سال 1371 اين موضوع را به تورجدي وارد تصحييمات قضائيي داگاهها نمو. في مرحلة بعد تبصري الحافيي ب ماده 1336 ق.م في سال 1385 با حذف بسياري از محدوديتي ها مطالبة اين حق كه

في تبصري 2 ماده واحدة مذكر قيد شده بود. به شرايط مدرج في ماده 1376 ق.م تكيد شده است و ازايرو بر انين قاعدة استيفا، امكاني مطالبة اجرت فعاليته نزوجه را در ه زمان بهبود بخشيده و ازايجه حيي حيي ايمتيكي في از دنگ حيقي مالي نزوجه كه مبتوت به هنگام طلاق و مشروط به عدم تقصير زوجه در امر طلاق مي باشد. يافته است.

2) آخرین مرحله تحولات موقع به اجرت المثل فعاليته. نزوجه في حقوق مالي ويزه اطلاق ب تصويب قانون حماية خانوده. في سال 1391 كه وقوع پيروسته است. اين قانون با نسخ ماده واحدة اصلاح مقررات مربط ب طلاق (به جزي ندب ب تبصري 12) در حيي حايتي مهر. چه بيشتر از حقوق مالي زنان. تبصري الحافيي ماده 1376 ق.م جنبههاها استات محل المثل فعاليته. نزوجه قرار داده است و با نسخ ماده واحدة مذكر عمالي را كه موجب بيدايي اندشه تعارض مطالبة اجرت المثل وحق ناسي از شروط تنصيصف شده بود. مرفع ساخته است.

3) با بنای اعتبار ندب ب تبصري 2 ماده واحدة شرايط نجله همان شرايط يش آن ات تصوب قانون جديد حماية خانوده. است. في واقع درتيمه تصوب اين قانون شرايط اجرت المثل به شرحي كه كفنده شد. تغيير كرد. است؛ نه شرايط نجله. لذا اين نهاد كماني رابطه ينوه با اجرت المثل را حفظر كرد و همارا با آن قابل مطالبه نيبت.

4) في خصوص مقرري مانا هرجند توبه قضائيي ناقل به نسخ صضمي. اين نهاد است. همچنان مين زان من كه مقررات قانون جديد حماية خانوده به نوعي با نظر حقوقدايان كه قنال به اعتبار ماده 11 قانون حمايت خانوده 1353 بودن. هماهنگ است.
فهرست متن:

1. احمدی، عباس(1391) تحلیل و اجرت ملک کاره‌هاي زوجه با بررسی آخرين تغییرات قانونی، تهران:

2. احمدی، مریم(1383) تحلیل و اجرت المثل در یک بررسی حقوقی، مطالعات راهبردی زن، ش: 25

3. أسیدی، لیالی(1381) آثار حقوقی طلاق به درخواست زوج، ندای صادقی، ش: 28-37، 29-63.

4. محمدحسین، اصفهانی(1401 ف) اجازه، چاب، دوم، قم، مؤسسه النشر الامامی.

5. الماسی، نجادعلی و محمدی، مرتضی(1381) ترتیب اموال زوجین در حقوق ایران و فرانسه، تهران، میلادی، ش: 117-142.

6. خمینی، سید روح الله(1421 (م)) تحریرالوسیله ج: 2، چاب، اول، تهران، موسسه تّظییم و نشر آثار امام خمینی.

7. خمینی، سید روح الله(1414 (م))، الیع، ج: 3، اول، تهران، موسسه تّظییم و نشر آثار امام خمینی.

8. امامی، سیدحسین(1456 (م)) حقوق مدنی، جلد 1، تهران، نشر اسلامی.

9. انصاری، مرتضی ابی محمد(1414 (م))، المکاسب المحمه و الیع و الخیارات، قم، کنگور یزدگداشت

10. انصاری، پوری، محمدعلی و صادقی، م، محمدحسین(1383) اجرت المثل کاره‌هاي زوجه و نقد کاره‌اي

11. ترسی، زهراء(1382 (م)) حقوق غیر مالی زن در خانواده، ندای صادقی، ش: 39-43، 113.

12. جعفری، دولت آبادی، عباس(1385 (م)) بررسی حقوق مالی زوجه در موارد صورت طلاق به درخواست زوج

13. جعفری دولت آبادی، عباس(1385 (م)) بررسی حقوق مالی زوجه در موارد صورت طلاق به درخواست زوج

14. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی(1400 (م)) الاصبط من شرح العروغ الولیفق جلد 2، قم، 4، قم، انتشار.

15. خوئی، سید ابوالقاسم (1416 (م)) مباحث القافه، ج: 4، قم، انتشار.


17. دروشی هوری، پرست(1385 (م)) حقوق مالی زن پس از طلاق، مجله حقوقی دادگستری، ش: 4، 113.

18. دیلوا، ابراهیم(1382 (م)) حقوق مالی خانواده ازدواج و انحلال آن، چاب، اول، تهران، نشر امام خمینی.

19.
20. طاطبي، محمدحسين (1366). تفسير الميزان، جلد دوم، ق. دفتر اشارات إسلامية.
21. طاطبي، حکیم، سید محمدرضا (1349 ق). مستمسک العروه الولی، ج، پ. 3، دار انتشارات إسلامی. 
22. طاطبي، محمد و صوفی شاملو، حسین (1363). تحلیل قلعه و حکومت اواکاف و وضعیت شرط تنطیف اموال زوج، مطالعات قلعه و حکومت اسلامی، ش. 10، 144-158. 
23. علی‌یوسف، ابراهیم و ساجدی، مهدی (1390). بررسی قلعه اطاعت زوجه زوج، حکومت اسلامی، ش. 27-6. 
25. فیلسوف، محمدقلی و سلطانی، محاسنی و شیخیه نصری‌زاده، مهدی‌پرستان (1391). تقدیم و تحلیل آنالیز غلیط. 
26. قاسم‌زاده، سید مرتضی (1384). الیشوئول مدنی بدون قرارداد، تهران، نشر مژن. 
27. کاتژریان، ناصر (1374). الیشوئول مدنی خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. 
28. کاتژریان، ناصر (1390). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
29. کاتژریان، ناصر (1378). حقوق مدنی-خانواده، چاپ اول، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
بررسی حق دریافت اجرتالملعفایلاله زوجه و امکان جمع آن با حقوق مالی و ویزه طلاق

۸۵


۴۲. کاظمی، زهرا و میرخانی، عزت العمادی(۱۳۸۸). مقدمه حقوق: بررسی مبانی قوی به بد ب تصصیر. ۶ ماه

واحد اصلاح مقررات مربوط به طلاق، مطالعات زنان وامام حقوق وامام. ش: ۳۱-۱۵۸.

۴۳. کاظمی، زهرا(۱۳۸۱). بررسی قوه‌الملعفایالله زوجه در ایام زوجت و میزان کارآمدی قوانین

در استیفاده آن. نواد صادقی. ش۷: ۳۴-۹۲.

۴۴. لطفی، اسادالله(۱۳۸۹). حقوق خانواده، جلد ۱، تهران، انتشارات خرسندی.

۴۵. محقق اردبیلی، احمد ایب محمد(۱۴۰۳). مجموع الفانیه و البرزانیه. شرکت انتشارات اسلامی.

۴۶. محقق فیاض، اجیب مصطفی(۱۳۸۳). قواعد قه، جلد ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

۴۷. محقق فیاض، سید مصطفی و اسماعیلی، مرتضی(۱۳۸۳). بررسی مبانی قوه‌الملعفایالله زوجه، نامه آللهای.

۴۸. محقق فیاض، سید مصطفی(۱۳۶۴). تحلیل درباره شرط خصوصیات عقد نکاح، فصوله اسلامی.

۴۹. محقق فیاض، محمد فرید(۱۳۸۳). طلاق و سهم زن از زندگی مشترکه، نامه فردی. ش۷: ۳۱-۱۰۸.

۵۰. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). شرط نصیبی دارای زوجه در عقد نکاح، ماهنامه دارسی، ش۷: ۳۹-۹۲.

۵۱. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

۵۲. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

۵۳. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

۵۴. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

۵۵. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

۵۶. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

۵۷. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

۵۸. محقق فیاض، محمد احمد(۱۳۸۱). القاعد، ج ۱، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

مکانی: نجفی، محمدحسین(۱۴۰۵). جواهر الکلام. جلد ۷، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

مکانی: نجفی، محمدحسین(۱۴۰۵). جواهر الکلام. جلد ۷، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

مکانی: نجفی، محمدحسین(۱۴۰۵). جواهر الکلام. جلد ۷، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

مکانی: نجفی، محمدحسین(۱۴۰۵). جواهر الکلام. جلد ۷، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

مکانی: نجفی، محمدحسین(۱۴۰۵). جواهر الکلام. جلد ۷، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

مکانی: نجفی، محمدحسین(۱۴۰۵). جواهر الکلام. جلد ۷، چابش، موسسه انتشار اسلامی.

مکانی: نجفی، محمدحسین(۱۴۰۵). جواهر الکلام. جلد ۷، چابش، موسسه انتشار اسلامی.
انگلیسی متنی:

The review of the right of adequate payment for the activities of the wife and the possibility of aggregating it with special property rights of divorce

Yousef sobhani*1 Aflatoun esfandyari mehni2 Mostafa rezayi estakhroeye3 Fatemeh jalalifar4

Abstract
During the process of legislation changes regarding work demands of the wife, the conditions for demanding adequate payment as well as the possibility of its aggregation or disaggregation with other financial rights of the wife which in particular arise during divorce (monthly allowance, the condition of halving of assets and Nehle), has been controversial. Especially taking into account the latest legal developments related to this issue (reverting adequate payment of the wife's activities to the principle of conversion, abrogation of the single article of divorce regulatory reform, and the retaining of paragraph (b) of its 6th Note, and no abrogation of the Family Protection Law of 1974), the need for new and independent research in this area becomes apparent.

The present study was carried out with descriptive-analytic method and using library data. In this study, in addition to reviewing the new conditions of adequate payment and the difficulty in its calculation, it has become clear that, despite the abrogation of the Single Article, the right to adequate payment and Nehle are not mutually compatible according to the survival of paragraph (b) and the philosophy of its status, but about the condition of halving of asset, considering its distinct nature and its different basis from the right of adequate payment as well as the abrogation of mentioned single act (despite the survival of paragraph (b) of its 6th Note), it is possible to aggregate these two rights. In the case of the monthly allowance, the viewpoint on its disabrogation is yet tenable in the legal perspective.

Key words: financial rights of woman, adequate payment of wife activities, Nehle, monthly allowance, condition of halving of asset

1Master of laws   2Master of laws   3PhD student of laws   4Masters student of laws
Submit Date: 2016/11/3 Accept Date: 2018/1/3
DOI: 10.22051/jwfs.2018.7260.1026